

جلوه هایی از اشعار زیبای شاعر گمنام

حاج ملا اسماعیل فدائی کزازی

از: دکتر غلامرضا فدائی
استاد دانشگاه تهران

مقدمه

توجه به شرح حال بزرگان و اخذ سرمشق از آنان یکی از بزرگ ترین رسالت های انسان در زندگی است. انسان در زندگی همواره می خواهد بداند و بداند که چه بکند تا بتواند از دانسته های خود استفاده لازم را بنماید. معلم و یا به تعبیر عامیانه تر و شاید عارفانه تر الگو و اسوه از مواردی است که انسان همواره به دنبال آن است. همانطور که در مسائل نظری تا وقتی انسان به ذکر مثال نمی پردازد مسئله روشن نمی شود و یا درست جا نمی افتد در مسائل عملی هم تا زمانی که الگو و یا اسوه معرفی نمی شود مسئله به خوبی درک نمی شود. مثال در مباحث نظری کار را آسان و فهم را ساده می کند و یا به آن سرعت می بخشد در مسائل عملی هم وقتی نمونه ها از شخصیت های برجسته معرفی می شود آدم تازه می فهمد که هم کار شدنی است و هم دیگرانی از جنس ما و شاید مقارن با زمان ما چنین کار های بزرگی را انجام داده اند.

شرح حال حاج ملا اسماعیل

او مردی است که حدوداً در سال ۱۱۸۴ هجری قمری در منطقه کزاز دیده به جهان گشوده و در سال ۱۲۶۲ هجری قمری بدرود حیات گفته است. او عالمی آگاه و مجتهدی بزرگ در زمان خود بوده است و علاوه بر حدود ۲۱ جلد اثر دارای اشعار فراوانی است که در نوع خود کم نظیر است. اسامی؛ کتابهای او به شرح زیر است:

- ۱- ینابیع البراهین فی تحقیق الحق الیقین
- ۲- الاشعه البدیه فی شرح الجعفریه
- ۳- الفیوضات القدسیه فی شرح الرساله المجلسیه
- ۴- قره العین الناظره فی شرح کتاب التبصره از علامه مطهر حلّی
- ۵- معیار التمییز در شرح وجیز از علامه ملا محمد باقر مجلسی در رجال
- ۶- صحیفه الشعر در نظم و نثر
- ۷- جنات النعیم در مدح حضرت عبدالعظیم
- ۸- کفایه الطالب در شرح مختصر منتهی السوال و العمل در فقه

- ۹- القساطیس المستقسطه فی القوانین المستنبطه در علم اصول
- ۱۰- شرح النظام در تاریخ حضرت رسول
- ۱۱- مراحل التحقیق در استواء الطریق
- ۱۲- عوامیه الامامیه
- ۱۳- انائیه العوامیه
- ۱۴- کشف الاسرار در رموز اشعار
- ۱۵- عقد اللئالی در اصول و اعتقادات
- ۱۶- منظومه الشک و السهو و الخلل و الجبران
- ۱۷- السئوال و الجواب
- ۱۸- رساله المجلسیه
- ۱۹- رساله الغبن

از اساتیدی که او از آنها نام برده است سید محمد فرزند سید علی اکبر، میر سید علی فرزند محمد علی طباطبائی، میرزا ابوالقاسم فرزند حسن، شیخ موسی فرزند شیخ جعفر نجفی و ملا رضا استرآبادی است. از شاگردان او اطلاعی در دست نیست. اشعار او شامل غزل، قصیده، مثنوی، ترکیب بند، ترجیع بند، رباعی و غیره است. آنچه در باره او گفتنی است گمنامی اوست. او با آنکه در زمان خود فردی بر جسته بوده و آثار او دلالت بر اهمیت او دارد و مرحوم آقا بزرگ تهرانی در مجلدات /الذریعه خویش بسیاری از این آثار را ذکر کرده ولی در اغلب شرح حال ها نامی از او برده نشده است.

ویژگی اشعار او:

بررسی ویژگی های اشعار مرحوم حاج ملا اسماعیل فدائی کار آسانی نیست . باید افراد خوش ذوق و ادیب در باره آن تتبع و غور کنند. اینجانب از آنجا که قریب به شش ماه است بر حسب وظیفه شرعی و خانوادگی مشغول تصحیح ابیات و غزلیات او هستم تنها به خاطر شناساندن این شاعر خوش قریحه، عالم و مجتهد اشاراتی بسیار کوتاه و مختصر به بخشی از ابیات او می نمایم. باشد تا باشد با همت فرهیختگان کشور و از جمله علاقمندان از اولاد او اقدامات شایسته ای در جهت معرفی او بر داشته شود. ویژگی هایی که من در خصوص اشعار او به اختصار ذکر نموده ام عبارتند از:

۱- کثرت ابیات.

در حالی که بسیاری از شعرای معروف اشعارشان محدود است و حدودا از مرز ده هزار و به ندرت بیست هزار می گذرد نامبرده به تنهایی بیش از چهل هزار بیت شعر در سبک های مختلف دارد.

۲- تنوع قافیه ها

همه می دانند که بعضی قافیه ها در اشعار فارسی نسبت به بقیه هم نادر تر و هم سخت تر است. به اشعار بزرگانی چون حافظ هم اگر بنگریم این مسئله را به خوبی می بینیم. ملا اسماعیل فدائی در قافیه های سخت و گاهی نادر کار کرده و به خوبی هم از عهده آن بر آمده به عنوان مثال: قافیه خ، ذ، شین، ص، ض، ظ، ع، غ، ق که برای اختصار از هر یک فقط بیت و یا ابیاتی آورده می شود :

می کند از زلف تو هر تار رقص می کند حسن تو بر رخسار رقص

یا

گشته امشب یا دلم از محنت هجران خلاص یا که امشب یوسف مصر گشته از زندان خلاص

یا

ای بسویت نگران گلشن فیض پر ز گلچین رخت دامن فیض

یا

ای گرفتار به رخسار تو شمع آرزومند بیدار تو شمع

یا

مانده در وعده دیدار دریغ منتظر دیده خونبار دریغ

یا

شد تمام عیش جوانی حیف حیف گشت آخر زندگانی حیف حیف

یا

ساقی بیار جام که دارم تب فراق طبع دلم ز آتش تب دارد احتراق

۳- استعارات و تشبیهات

شدم آواره و سنگ غمت بشکست بالم در این دام بلا من از کجا جویم نشانت را
ز پیشم بال بگشودی و من در دشت هجرانت به هر خس نالم و گیرم سراغ آشیانت را

یا

ما که پا بر قبه صحرا زدیم شکر لله باز زیر پا زدیم

از دوات بحر بگذشتیم و پا چون قلم بر صفحه صحرا زدیم

...

گاهی از ناد علی کردیم یاد گاه دم از لافتی الا زدیم

زاشک بحرین بصر در آرزوش طعنه ما بر لولو لالا زدیم

یا

شکر لله که چو خور باز جهانگیر شدیم هفت اقلیم معانی همه را سیر شدیم

...

پیشتر ما ز رحم طفل سخندان بودیم در رحم این همه ماندیم که تا پیر شدیم
...
می کشیمان به خدنگ مژه دیگر ز چه باز ما که از هجر تو صد جا هدف تیر شدیم
یا

باشد کجا به لعل و جواهر بهای تو شاه است از این جمال و جواهر گدای تو
آرم نثارت از یمن دل عقیق خون پاشم ز دیده لعل بدخشان به پای تو
آب گهر ز لجه بحرین دیده ام گشته روان به بندر صورت برای تو
یا

بیا که حسرت صد ساله ام ز دل به در آری کنی به کعبه ی من گر شبی به ناز گذاری
بزن بر آتش و خاکسترم بکن پامال ز من گر آینه ی خاطرت گرفته غباری
کند به دیده احباب کار صد پیکان رود اگر به پای تو دوست ناوک خاری
تو رفتی و زپی ات هر نفس فرستم زار زاشک و آه و پیامی پیاده ای و سواری

۴- بحر های مختلف در اشعار او

بحر در اصطلاح عروض نوع و جنس وزن شعر است همانگونه که در موسیقی دستگاه است. تا کنون در شعر فارسی ۱۹ بحر اصلی و تعدادی بحر فرعی تعریف کرده اند (انوشه، ۱۳۶۷، ۲۲۸). مثلاً گویند سعدی در بوستان خود در قالب مثنوی و در بحر متقارب فعولن فعولن فعولن همانند وزن شاهنامه فردوسی سروده است (سعدی، ۱۳۶۸ یک). حاج ملا اسماعیل شاعر توانائی است که اگر در همه بحور شعر نسرائیده باشد به نظر می رسد در اکثر آنها شعر داشته باشد که قابل بررسی و تحقیق است. به عنوان نمونه:
خوشا به حالی که از وصال رسد به شادی پس از ملالی
خوش ایندم ار جان کند به قربان ز بعد هجران به ماه و سالی

و رفتیم از درت دور اما به ناله و آه گشتیم بی تو مهجور اما به آه و زاری

یا صراط المستقیم است عشق جانان بس است ای مفتیان راه ضلاله
پس از الف و دویت و پنجه و هفت کنم یاری طلب الف دو ساله

یا ساقی بیار که تازه کنیم عهد تازه ای جام می الست ز دادار ساده ای
هر کس گرفته کوره رهی راه می رود تا ما گرفته ایم ره شاه جاده ای
از راه یزد کرده سفر زائران طوس یا گشته دل به راه تو دارالعباده ای

یا کی وصف تو گنجدم به نامه بنویسم اگر که تا قیامه

هر کار کنی به وقت میکن جوئی تو اگر ره سلامه

یا

هجرت ای سرو روان ما را زپا انداخته چند دارد تاب هجرِ سرو رعنا فاخته

یا

جمالت کرده دل را سست و محو و مست البته

که رویت هر که دیده داده دل از دست البته

فدائی همت عالی فرو نارد هوس را سر

که این کاری است ای دل کار طبع پست البته

یا

گفت علم عالمی باشد زجه گفتم از فهم الف ب تا به ی

گفت هر کس فهمد این را گفتمش لیک با چون و چرا و چه و به

چند می جوئی شکر از نیشکر شین و کاف و ر بود در لام وب

از سخن جوئی اگر شهید شکر از فدائی جوی می جوئی ز که

یا

هجرت مرا یک در میان همچون تب غب آمده هم نامه وصلت بجان چون نسخه تب آمده

۵- غزلیات و مثنویات

غزلیات و مثنویات در اشعار او فراوان است که در این جا به خاطر اختصار از ذکر مثنویات خود داری می کنم. مثنویات او بیشتر در باره مدح و مراثی اهل بیت علیهم السلام است. علاوه بر آن نوحه ها نیز فصل مشبعی در این رابطه است.

۶- ترجیع بند و ترکیب بند.

ترجیع بند شعری است شامل چند بند هم وزن اما با قافیه های گوناگون که در پایان هر بیتی ثابت و واحد که به آن برگردان می گویند با قافیه مستقل می آید. و ترکیب بند شعری است در چند بند هم وزن اما با قافیه های گوناگون که در پایان هر بند، بیتی با قافیه ای مستقل و به صورت متغیر می آید (انوشه، ۱۳۶۷، ۳۵۳).
مثل:

در بیت حق بغیر علی زاده کس مگر تا آنکه باشدش چه علی محرمی دگر

بینند خلق جانب هر کس بیک نظر دارند خانزاد ندارند اگر پسر

بر خانزاد خویش نگاه پسر کنند

...

با آنکه خانه زاد خداوند اکبر است نفس و اخ و پسر عم و صهر پیمبر است

فرزند اگر که نیست ز فرزند بهتر است کیست آنکه اقرب او به پیمبر ز حیدر است

تا میل از آن جناب به جائی دگر کنند

۷- تاریخ در اشعار او

او از حوادث تاریخی فراوان یاد کرده است. داستانهای قرآن یکی از آن موارد است.
مثل

توام و یکبار مردن بر دو سن قدرتش بین در عزیز و در عزیز^۱
قاتل و مقتول را نار است جای از زئیر اندیش در قتل زبیر
هست تل امتحان این خاکدان بگذر از تل چون یزید بن نمیر
شد عمر پیش امیر المومنین آنکه بد پیش از عمر چندی عمیر
گر فدائی در محبت راسخی نه نصیری باش و نه کم از نصیر

یا

بر زمین افتد بریزد اشک با تطویل را بگذرد یوسف به ره گر مرقد راحیل^۲ را
تا بکی صد حيله می آری بی تحلیل مار حيله کن بهر مالی هم دمی تحلیل را

...

انبیا را آمدی جبریل با شرع و کتاب کی توانی خواب بینی سایه جبریل را

یا

پس تو هم ای فیل، صاحب کعبه را شرمی بدار شرم می آید گر از این خانه صاحب فیل را
کن بخود رحمی که چون طیر ابابیلت رسد میدهد از فیل و صاحب هر دو جا سجیل را

۸- تلمیحات در اشعار او

تلمیحات و زیبایی های ادبی در اشعار او به قدری زیاد است که کمتر شعری از او را می توان یافت که اشاره و اشارات ادبی در آن نباشد. در این جا فقط نمونه کوچکی از آنها بر حسب انتخاب نگارنده آورده می شود.

مثل:

هستم اگر کم از کاه دشمن زیاده از کوه شادم که پیش تو دوست کوهی است کمتر از کاه
دل گشته بیت الحزن آمد مگر شب هجر با آنکه ماه کنعان امشب فتاده در چاه

یا

حدیث جنت و حور آیدم چه کار ای دوست مرا که نیست بجز آرزوی روی تو کاری
در آرزوی نگارم مدام بلکه نمایم نثار سنبل زلف تو یار مشک تتاری
چو بوم غمزده ضرب المثل شوم ترسم به کام دل کنم ار بی تو دوست گریه و زاری
نهاده بر طبق کف زر حیات فدائی بعذر پیش جمال نگار سیم عذاری

^۱ - عزیز مصر و عزیز پیامبر

^۲ - مادر یوسف و بن یامین

۹- راز و رمز در اشعار او

مثل:

کارم نشد به کام که کارم به کام شد عیشم نشد مدام که عیشم مدام شد
همت بلند بود ز مطلب گرفت اوج مطلب تمام نشد که مطلب تمام شد
ساقی دلم شکست ولیکن درست شد جامم نکرد پر که پر از نشئه جام شد

یا

دهی شیر بر طفل بوزینه گر نه بوزینه آن نه تو بوزینه گر
ببازار بافندگان کی رواست کنی پود کرباسی پودینه گر
دهد کی بکنج لحد بر تو سود نهی گنج دنیا به گنجینه گر
به هر دل تجلی کن نور فیض گرفت ار قساوت نه دل پینه گر
نه دجال را شاهی و نه کدخدای نشیند بجز یاد و صد کینه گر
گنه از یهودیه اصفهان کند منتشر کفر دیرینه گر
بود پیش اتباع او از قصور یهودی و اعراب مادینه گر
فدائی رخس جو ز آینه دل دل آئینه ی اوست آئینه گر

یا

سیزده کن اخذ از هفتاد و سه پس از آن هم دور میکن دو و سه
پس یکی ماند که دو و سه از اوست رهنمای و پیشوا بی چون و چه
در حدیث فرقه از آن سیزده نمط اوسط کیست ایشان فانتبه

۱۰- جناس در اشعار او

مثل:

چون براتی از برایت هست عار می نویسم من برات جان برات
بر وفاتم کن گذاری از وفا بر وفات امید دارم در وفات
بر در استاده فدائی جان به کف کن نگاهی بر فدای خود فدات

یا

بنده ی درویش را عشق توام کرده شاد کرده نه درویش را عشق تو درویش تر

یا

بار ها خواهم ز باری بی تو مرگ بلکه باری رحمش آید باریم
چون فدائی کرده ام گم کار خویش باشد این ها جمله از بیکاریم
گر درد به دل هزار دارم بی دردم و درد یار دارم
از درد و غمم میپرس یک یک درد تو چه بی شمار دارم
ای جان فدائیت فدایت از بهر تو جان نثار دارم

یا

یا

خدایا ده بلا کیشان غم را بلایش را و کن دور از بلایش

یا

حیف است در حکم ای حکمران حیف زان گفت الحیف یدعوا الی السیف
دارم نه این دوست شتوی و صیفی بی حاصلم چون فصل شتا صیف

۱۱- عشق و شوریدگی در اشعار او

مثل:

ساقی بیار جام که کارم ز کار رفت یاد از بهشت و حور و می خوشگوار رفت
عمری کمین نمودم و غافل شدم دمی تیرم خطا نمود و شکار از کنار رفت
یا:

بیا که درد فراق مرا به دل بار است هزار بار که باری هزار خروار است
خبر کنید زلیخا و شان سر خوش را که یوسف عجمی در میان بازار است
عزیز مصر کند از خریدش ار اهما که زال مصر به کف رشته و خریدار است
به شهر عشق بیا کن علاج بی دردی که گر کم است دوا لیک درد بسیار است

...

اگر عزیز کند و کند فدائی خوار رضا به کرده یارم دهم که مختار است

یا

جمالت جلوه در دل کرد چون بدر شبم شد از خیالت ليله القدر
باذن ربهم من کل امرٍ سلام هی حتی مطلع الفجر

...

ندارند عاشقان پروائی از جان فدائی عاشقان را خون بود قدر

۱۲- تخلص او

تخلص او فدائی است و در همه اشعارش غزلیات و یا مثنویات آن را ذکر کرده است. بعضی اوقات با زیبایی و با اشاره به حادثه تاریخی هم نام و هم تخلص خود را ذکر کرده است. مثل:

اگر پرسد چه کردی با فدائی بگو اسماعیل را کردم فدایش

۱۳- درد و شکوه در اشعار او

مثل:

خوش است ای دل به دلبر راز گفتن حدیث درد هجران باز گفتن
ز دریا جانب بندر رسیدن حدیث خواجه شیراز گفتن
وز آنجا کردن آهنگ سپاهان سخن از رفتن کزاز گفتن

بکلی بستن از زاغ و زغن لب سخن باز از زبان باز گفتن
نمودن شکوه از بی مهری دوست جفای جمله بی اغماز گفتن

یا

فدائی ما ز بُن کندیم بنیان شکیب امشب ز سیلاب غم آن دلبر نا مهربان آخر

یا

به کامم کی گوارا شکر و شیر که کرده هجر جانانم ز جان سیر
ببالینم رسیدی در دم نزع به قربان سرت دیر آمدی دیر
ز هجر روی تو بیجا چه نالم که هجرانت نمی گنجد به تقریر

...

دلَم می سوزد از این غم فدائی که بینم حق شناسی را به تزویر

۱۴- حاج ملا اسماعیل و مردم زمانش

او در عین حالی که در بعضی موارد از کزاز و زیبایی های آن سخن می گوید ولی در پاره ای از اشعارش گوئی از مردم آنجا خسته شده و از این که قدر او را نمی دانند گلایه دارد. مثل:

وز آنجا کردن آهنگ سپاهان سخن از رفتن کزاز گفتن

یا

نیست باک از نیش عقرب دیگرم ای دل که هست

اقرابیم هر یک از بهر اذیت عقربی

۱۵- صنایع ادبی در شعر او

به کاربردن تضاد در دو بیت زیر به خوبی مشاهده می شود و توانائی شاعر را در بکار گیری مفاهیم برای بیان مقصود خویش که همانا محال بودن امری (انتظار وفا از دنیا داشتن) است را به خوبی نشان می دهد:

وفا و الفت از زال جهان جستن بود جستن - عسل از حنظل و شهد از سم و خور زابر و نور از ظل
امید بخشش از بخشنده ای دارم که میبخشد- گهر از آب و لعل از خاک و شهد از نخل و گل از گل

۱۶- وعظ و موعظه در اشعار او

وعظ و موعظه در اشعار او فراوان است و کمتر شعری را می توان یافت که خالی از پند باشد. در واقع او شاعری واقعگرا، عالم، عارف و متعهد است. به عنوان مثال:

لب ز عسل تر چه شد می شود از نیشتر هست در این نوش و نیش از پی او نیشتر

جز به کفاف از جهان تر مکن القصه لب هر چه خوری آب بحر تشنه شوی بیشتر
یا

به زنجیر طبیعت بسته چندی بر آر ای دل ز پای شوق بندی
قدم بر فرق عرش نیستی زن برون آی زین حضيض خود پسندی
ز همت نیست از دنیا گذشتن ز خود بگذر اگر همت بلندی

۱۷- اشاره به داستان ها در اشعار او (قصیده)

می دهد کی شمع شب نور آدم شب کور را چشم نا بینا کجا بیند شعاع نور را
صالحان قوم موسی صالح قوم خود اند نیستند صالح شنیدن صوت کوه طور را
گوش کن ای کار فرما نقل اصحاب رقیم تا بدانی مزد باید داد هر مزدور را
می شود در دم مصاحب با سلیمان مور لنگ لطفش ار بخشد به موری طالع تیمور را

۱۸- کلام در اشعار او

مباحث کلامی شامل خدا شناسی، و به ویژه امام شناسی در اشعار حاج ملا اسماعیل به خوبی
خود نمائی می کند مثل:

دم ز نم ز آیه ی وصل تو اگر با شد و مد و تشدید کند وصل ازل را به ابد
با تو ما راست یکی نیست و او هم نه یک است ما موحد ز توایم و تو خود فرد احد
از چه رابع به ثلاث است و نه ثالث به ثلاث زانکه ذات احدش را نسزد سنج عدد
یا

شده از خرد دور نور نظر گرفته سَبَق چشم عبرت نگر
بکامم ز غم زهر و خون نقل و می که من می خورم غم به خون جگر
خردمند چون ابن عباس کو که روی زمین سازد از گریه تر
ابوبکر سازد عمر را وصی به شورا وصیت نماید عمر
به نزدیک این صاحبان خرد صحیح است این هر دو و معتبر
ولی چونکه خواهد دوات و قلم و نسی تا نویسد وصیت دگر
نشاید برو کرد هیچ اعتبار که هذیان بود قول خیر البشر
مگر داده در شان ایشان خدا بما ینطق و ما اتکم خبر
نه آنشاه دین کز گدائی او کنند این دو را اعتبار آنقدر
فدائی برد هوشم از سر که چون همه عاقلان کور گشتند و کر

یا

خارج ز این است من این الی این بیرون ز کیف است من کیف الکیف

۱۹- اقتباس و یا استقبال از شعرای دیگر

در بین شعرا مرسوم است که از سبک و یا مفاهیم سروده شده شاعران متقدم و یا همعصر خود استقبال می کنند و اشعاری می سرایند. نمونه آن را می توان در اشعار زیر یافت:

یا

ما غیر رخ یار مثالی که نداریم جز روی تو ما مه جمالی که نداریم
مائیم و همین فکر و خیال تو شب و روز ما غیر خیال تو خیالی که نداریم

....

افتاده به دل عکس رخ یار و گر نه ما آینه آب زلالی که نداریم
که نمونه آن را به ویژه عکس رخ یار را در اشعار دیگران و به ویژه حافظ می بینیم که می گوید:
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم

یا

ملک عالم قدسم که شدم خاک نشین خویش را چند کنم بیش از این خوار ای دل
انتظارم که قفس بشکنم و باز پریم تا حریم حرم قدس دگر بار ای دل
که از اقتباس از شعر زیر است که می گوید
"من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد در این دیر خراب آیادم"

یا

"خرم آن روز کزین منزل ویران بروم راحت جان طلبم وزی جانان بروم
مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم"

یا

برگو ز من فرهاد را آن کوه کن استا د را میکن ز شیرین یاد را کان مهوش غماز کو
کو رفر ف خاقان چین کو لعبتان نازنین کو عیش و نوش بی قرین آن شاه لعبت باز کو
چون بگذرد جزئی زمان آیندو گویند دیگران همچون فدائی نکته دان در صفحه کزاز کو
که انسان را به یاد شعر زیر می اندازد که:
هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان
و حافظ هم با این قافیه غزلی دارد

۲۰- سبک عام و خاص:

در حالیکه بعضی از اشعار او بسیار سخت و راز و آلود و مشکل است پاره ای از اشعار او بسیار ساده و عامیانه در عین داشتن صلابت و زیبایی است مثل:

رفتی ای سرو روان یعنی چه از برم جلوه کنان یعنی چه
بشکست دلم ای دوست زدی طعنه چون دشمن جان یعنی چه
آنکه شد غره به سود از تو کریم نکند سود و زیان یعنی چه

.. .

از در دوست فدائی محروم می رود گریه کنان یعنی چه

۲۱- توجه به حکمت:

انتزاعیات عقل است اعتبارات صفات منشا این انتزاعیات دان مکنون ذات
مظهر آثار هر مفهوم ثابت ذات صرف اعتباریات عقلی را نه در خارج ثبات
جوهر معنای عالی عار دارد از کلام این همه توجیه لفظ و اصطلاحات و نکات
یا
ترکیب نه شایسته وحدانیت رب چون حاجت بر جزء بود شرط مرکب

۲۲- تفکر و تحقیق

مثل-

کرده در دنیای فکرم جا نهنگ تازه برده بر کوه خیالم ره پلنگ تازه
در خم اندیشه معنا ز نو صباغ عقل جامه تحقیق ما را کرده رنگ تازه
طی مقصد کی باین جرات کند این کهنه عقل می کند هر دم ز خوف ره درنگ تازه
بست با صاحب ریاضی زیجی از نو یا که زد چه کن لنگی بپای خود کلنگ تازه
می کشد چابک سوار رزم میدان گاه عقل هر زمان از ترکش معنی خدنگ تازه

۲۳- استفاده از آیات قرآن و احادیث:

حاج ملا اسماعیل نظر به احاطه اش به آیات قرآن بطور فراوان از آن در اشعار خود استفاده
کرده که در این جا فقط به طور نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود:
مثل:

بنگر به لا یمسه الا المطهرون قرآن کامل از کف ناقص عیار رفت
مائیم و این دو سبع مثنایی که هر دو را تشدید های سبع مثنایی به کار رفت

۲۴- مضامین دینی:

مثل:

نه طاعت و تقوی نه دعا ای دل غافل تا کی نکنی یاد خدا ای دل غافل
گاهی که نمازی کنی آنهم چه نمازی با صد خلل و عجب و ریا ای دل غافل
کن فکر خطا پوشی آن روز که بر تو پوشند کفن جای قبا ای دل غافل

...

آراسته حکمت و پیراسته علم شو چون علما و حکما ای دل غافل
اظهار غنا گاه غنا قطع عمل کن در فقر کن اظهار غنا ای دل غافل

...

پروا کن و پرواز کن این کون و مکان را بگذر ز سمک تا به سما ای دل غافل

۲۵- توجه به اهل بیت ، به تفکیک امامان و حضرت زهرا

مثل:

قتل دل کردی مرا یکسر چرا بر دل از مژگان زدی خنجر چرا
بی سکون دل با سکون گشتی زچه روی آن بر بحر و این بر بر چرا
هر دو کشتی آن به بحر و این به بر آن به لنگر این بلا لنگر چرا
با وجود بن عم و بنت و دو ابن اجنبی بر جای پیغمبر چرا
...
از پس غصب خلافت با غضب نخله صدیقه اطهر چرا.

گفتنی است که معنی بیت دوم و سوم فوق مدتها ذهن مرا به خود مشغول کرده بود. تا در روزی که برای دوست فاضلی آن را می خواندم دو کشتی یکی کشتی نوح و دیگری کشتی اهل بیت در روایت مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح به ذهنم خطور کرد که به نظر می رسد درست باشد.

۲۶- عنایت به شاعران گذشته مثل حافظ و مولوی:

بشنو تو از فدائی کزاز و ترک کن اشعار فیضی دکن و سیف اسفرنگ
یا
بر گو فدائی لفظ تو سعدی ذهن تو حافظ حدس تو صائب

۲۷- توجه به عرفان

مثل:

خو گرفتی به غریبی چه تو بسیار ای دل باز گشتن بوطن شد بتو دشوار ای دل
بایدش باز گرفتی ره کنعان در پیش یوسف آمد اگر از مصر به کنعان ای دل
عندلیبی تو مگیر انس به ویرانه جغد رفته یادت مگر از ساحت گلزار ای دل
ملک عالم قدسم که شدم خاک نشین خویش را چند کنم بیش از این خوار ای دل
انتظارم که قفس بشکنم و باز پرم تا حریم حرم قدس دگر بار ای دل

۲۸- مکان های جغرافیایی در اشعار او

تحقیق در اینکه او به چه مکان هایی سفر کرده از درون اشعار او قابل بررسی است . شاعر ما که مربوط به حدود ۲۰۰ سال پیش است از کزاز بارها و بارها نام می برد. از جمله اشعاری که نام های جغرافیایی در آن است عبارتند از:

مثل:

دل تابه و تب ریز غم یا شیشه و لبریز غم

کام دل کهریز غم کز دیده اش جریان کنم
 لب بادکوبه زآه بس در بند لب تنگ از نفس
 نبود شکی زین پس که ما فرمان چه لاهیجان کنیم
 ما رو بگرستان کنیم امشب سوی جانان رویم
 با خرجی ایمان رویم تا خرج هشدر خان کنیم

یا

خوشا یزد و هوای سالم یزد خوشا طبع سلیم مرد یزد
 الهی تا شود قائم قیامت لوای امن باشد قائم یزد

یا

خوشا الوند خوشا آثار الوند خوشا آن آب آب افشان الوند
 خوشا حوض نبی آب بهشت آب بود کوثر نما کهسار الوند

۲۹- احاطه او به لغت

وقتی شاعری از لغات یچیده و دور از ذهن استفاده می کند نشان از احاطه و تسلط او به لغات گوناگون و حتی در بین قبائل گوناگون دارد. تحقیق در اشعار او می تواند از این جهت هم مفید باشد. نمونه ای از این اشعار عبارتند از:

بشنو از من صفت اهل زمان تا بدانی که کیانند کیان
 پدرانند ابا جعده نام ام حثور همه مادران
 ابن مقرض پسرانند همه دخترانند بنات الوردان
 گر به هنگام عروسی برسند ابن عرس این و بنات العرس آن

یا

بی برگ و بریم بی تو ای دوست چون راه صلنقع و یلنقع^۳

یا

تو شمس و تو شمع وز نور تو دل روز آن معمس^۴ شامان مشمع
 گردانم ار چشم آید چه رود آب قید است و چشم دل بی تو مصنع^۵
 عشق مجازی مستی و بازی خوردن شراب و آن هم سقرقع^۶
 طاحونه^۷ دل گرد تو گردد از گریه اش آب وز ناله جعجع^۸

۳- راه روشن و آشکار

۳- کار دشوار

۴- غدیر، گرداب باران

۵- نوعی شراب از حبشه یا حجاز

۶- آسیا

۷- زمین هموار، صدای آسیا

۳۰- اشعار فارسی - عربی

علاوه بر اینکه او از لغات عربی در اشعار خود به طور فراوان استفاده کرده است اشعاری دارد که نیمی از آن فارسی و نیم دیگر عربی است. نمونه آن به این قرار است:

رود چون رود اشکم ز عینین	الی یا قره العینی الی این
تو اش از بعد نالی و من از قرب	و کم بون بعید بین امرین
رقیب از دوست دارد شکوه بسیار	و لا ادری یقول الحق، ام مین
به نرمی سنگ را کردن توان موم	کذا المومن یکون هین و لین
به کار خویش و دل حیران شدم من	فانی اشتغل من ذاک نحسین
رهین دین حبّ دوستانم	علّی حبهّم فی الجید کالدین
چه کردی شین ز زین مجلسش خیز	اذا قال فدائی قم فقل زین

۳۱- روحیه انقلابی

شاعر ما در عین توجه به عرفان و بی زاری از دنیا به نظر می رسد در بعضی موارد بسیار انقلابی است و گویا از زمانه و زمان گله دارد. به علاوه نسبت به مسائل زمان و انحرافات که از جانب بیگانگان بر ذهن و فکر افراد تحمیل می شود ناراحت است. نمونه هائی از آن را در ابیات زیر می توان دید مثل:

باز آ که چون سیل از جبل غرشکنان طوفان کنیم

ویران کنیم آباد را و هم آباد را ویران کنیم

بلهی چه و چیست ابلهی فکر گدائی و شهی

با یست بر ما آگهی کین هر دو را یکسان کنیم

از ویژگی های دیگری که می توان در اشعار حاج ملا اسماعیل فدائی جست و جو کرد افکار عامیانه و فولکور در اشعار او، مقایسه شعر او با هم عصرانش، مقایسه شعر او با شعرای دیگر، تحلیل محتوا در اشعار او و تعیین بسامد ها است

جمع بندی

آنچه در این مختصر آمد گوشه ای از ویژگی های اشعار حاج ملا اسماعیل فدائی مجتهد و دانشمند قرن سیزدهم هجری به زعم نگارنده است و چه بسا بتوان موارد دیگری به آن افزود. اینجانب بدلیل رعایت اختصار ناگزیر در اغلب موارد فقط به ذکر ابیات پرداخته و نه تنها تحلیلی بر روی آن نداشته ام که حتی از معنی ساده آن اجتناب کرده ام. همانطور که گفته شد اغلب اشعار او به دلیل معلومات سرشارش از غنای علمی بر خوردار است و بدون شرح و تفسیر کمتر می توان به مقصود عارفانه وی پی برد. پاره ای از اشعار او که چاپ شده است باز هم احتیاج به

کار فراوان دارد تا با تصحیح مجدد در رفع اغلاط، نقطه گذاری و مقابله با اصل برای استفاده بهتر و در مجموعه ای جامع تر و شکیل تر آماده و عرضه به دوستداران شعر و ادب شود. در عین حال باید اذعان کرد که همانند همه نسخ خطی موجود پاره ای از لغات خوانده نمی شوند و یا اگر خوانده شوند مقصود سراینده با توجه به جو فکری و حال و هوای زمان او مشخص نیست. همچنانکه در باره دیگر شعرا و نویسندگان، دانشمندان تتبع می کنند و به عنوان مثال دیوان حافظ دویست سال (حافظ، ۱۳۷۳، مقدمه) است که مورد عنایت مصححان است در این مورد چنانچه توفیق باز بینی و تصحیح پس از چاپ اولیه ضرورت پیدا کند چه بسا این مشکلات بر طرف شود.

نکته دیگر گمنامی وی است. حاج ملا اسماعیل فدائی کزازی آستانه ای برجی با وجود پرکاری و تتبع و تزلع او در علم بسیار ناشناخته مانده است. البته در وقایع الایام منتشره توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران یادی از این شخصیت می شود اما به نظر می رسد که حق مطلب ادا نشده و نمی شود. در اینمورد باید تحقیق گسترده تری صورت گیرد. در این جا لازم است از تولیت محترم آستانه حضرت عبدالعظیم که با همت مصحح محترم به انتشار کتاب شریف جنات النعیم در شان حضرت عبدالعظیم اقدام کرده اند سپاسگزاری کنم. اما آنچه اکنون به عنوان وظیفه ای علمی بر گردن دوستداران . علاقمندان به علم و ادب و به ویژه از فرزندان او لازم است این است که:

اولاً هنوز پاره‌های از آثار وی ناشناخته است و باید تلاش گسترده ای در این زمینه صورت گیرد. ثانیاً بعضی از آثار وی در نزد بعضی از فامیل موجود است آنان باید با بزرگواری و سعه صدر آن آثار را با حفظ مالکیت خودشان به گونه ای جهت معرفی، تصحیح و انتشار در اختیار اهل فن گذارند.

ثالثاً باید موسسه ای فرهنگی به نام ایشان هر چه سریع تر تشکیل شود تا از طریق قانونی و با کمک همه علم دوستان کشور در داخل و خارج کشور به نشر آثار او بپردازند. البته پیشنهاد تاسیس چنین موسسه ای ماه ها پیش داده شده ولی متأسفانه تا کنون قدمی مثبت برای آن برداشته نشده است.

رابعاً همه علاقمندان به ایشان در جهت معرفی، تصحیح و تنقیح آثار وی از بذل هیچگونه کمک و تخصیص صدقات جاریه از قبیل وقف، اهدا، نذر و مانند آن دریغ نکنند
خامساً پس از آن و یا همزمان با تاسیس چنین موسسه ای لازم است برای بزرگداشت و معرفی ایشان سمینار هایی برگزار شود. بنظر اینجانب تنها بر رسی اشعار وی سمینار جداگانه ای را می طلبد.

سادساً سایتی به نام ایشان طراحی شود و همه کسانی که اطلاعی در باره ایشان دارند آن را به سایت ارسال دارند. البته لازم است سایت مدیریت علمی شود تا اطلاعات جمع آوری شده با ویرایش درج شود.

در پایان بر خود لازم می بینم که از همه کسانی که در این زمینه تلاش کرده و می کنند تشکر کنم. روح مرحوم آقا جمال فدائی که با اهداء آثار ایشان به کتابخانه آستانه حضرت معصومه از بین رفتن این آثار جلوگیری نمود شاد باد. همچنین از آیه الله استادی، استاد بر جسته حوزه علمیه و امام جمعه موقت قم که بارها با تشویق در جهت زنده کردن نام ایشان به آقای حاج اسماعیل فدائی و بنده تذکراتی داده اند تشکر می کنم. آقای اسماعیل فدائی خود از کوشندگان در این زمینه بوده است. اما به راستی در سالهای اخیر آنکه باعث شد که مجدداً نام حاج ملا اسماعیل فدائی دست کم در بین فامیل بر سر زبانها بیفتد و علاقمندان به وی از خاندان وی گرد هم آیند آقای عباس فدائی و خواهر ایشان صدیقه خانم فدائی است که من به سهم خود از آنها صمیمانه سپاسگزارم و توفیق بیش از پیش آنان را در این راه مقدس از خدای بزرگ خواستارم.

منابع

آقا بزرگ تهران تهرانی. الذریعه الی تصانیف الشیعه. تهران، ۱۳۶۹

انوشه، حسن. دانشنامه ادب فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات. ۱۳۶۷.

سعدی، شیخ مصلح الدین. بوستان سعدی به تصحیح محمد علی فروغی. تهران: ققنوس.

۱۳۶۸

حافظ شیرازی، محمد دیوان حافظ. به تصحیح بهاء الدین خرمشاهی. تهران نیلوفر. ۱۳۷۳

-----، ----- دیوان حافظ به تصحیح قزوینی و غنی. تهران: مهرداد، ۱۳۸۳.

زندگینامه شهید محمود فدائی. بکوشش اشرف جواهری.

عبرت نائینی، محمد علی. تذکره مدینه الادب. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس

شورای اسلامی. ۱۳۷۶

فدائی، حاج ملا اسماعیل. دیوان فدائی. به کوشش عباس فدائی. تهران: بی نا، بی تا.

-----، دیوان اشعار حاج ملا اسماعیل فدائی به دستخط علی اکبر

احمدی (ابن مرحوم خواجه احمد). به تاریخ ۱۳۷۴ یا ۱۳۳۶ هجری قمری.